

مقدمه‌ای بر رویاشناسی تاریخی

مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه

تصحیح و تحقیق

داریوش حیدرانی و زهرا حاتمی

(استادیار تاریخ دانشگاه تهران)



پژوهشکده تاریخ اسلام

مقدمه‌ای بر روی‌شناسی تاریخی
مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه

تصحیح و تحقیق: داریوش رحمانیان و زهرا حاتمی

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

مکان و صحافی: فرارنگ

ردیف انتشارات: ۲۹

تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیمصر (م)، خیابان شهید عباسپور، خیابان شکافته، شهر و شرقی، شماره ۹

تلفن: ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۱ شماره: ۱۶ - ۱۶

www.ptc.ac.ir

سرشناسه: رحمانیان، داریوش، ۱۳۴۴.
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر روی‌شناسی تاریخی: مطالعه موردی: تصحیح انتقادی رساله منامیه / تصحیح و تحقیق: داریوش رحمانیان، زهرا حاتمی.
مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۶۶ ص.
شابک: 978 - 600 - 7398 - 01 - 2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
شناسه افزوده: حاتمی، زهرا، ۱۳۶۳.
رده بندی کنگره: BP284/3/م9ر5082 1392
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۸۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۰۶۵۶۲

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای سازنده فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه‌ی تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و گسترده است. اهمیت این پیشینه‌ی تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده‌ی دانشگاه‌ها و دانشمندان غرب را نیز در راه تحقیق و مطالعه‌ی این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه‌ی پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، بدست نرسانه‌ناتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریر به منابع اصلی، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع - آغاز حرکت اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این‌گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه‌ی تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و

رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آمادگی همکاری با همه‌ی کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این‌رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه‌ی ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهی همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله‌ی آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از روژهای پژوهشی موردنیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان‌شاءالله به زودی تعداد آنها به ده برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه‌ی پژوهشکده، تأسیس دانشنامه‌ی «تاریخ جهان اسلام» است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منبع اصلی در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام به وسیله‌ی سایت اینترنتی خود با همه‌ی پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. پایگاه، علاوه بر انعکاس همه‌ی فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده‌ی فعالیت‌های علمی انجام شده توسط افراد و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به سراسر جهان و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده‌ی همه‌ی آثار موجود در زمینه‌ی تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه‌ی تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه‌ی تلاشگران همراه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده‌ی تاریخ اسلام

فهرست مطالب

۹		مقدمه
۵۹		نشانه‌های اختصاری
۶۱		رساله منامیه
۸۹		شرح رساله منامیه
۱۱۷		پیوست: شرح اعلام رساله منامیه
۱۴۵		فهرست منابع و مآخذ
۱۵۷		نمایه

مقدمه

نگر خواب را بینه‌د شمیری

آنچه در این اوراق می‌خوانید پژوهشی است تاریخی در موضوع خواب. موضوعی که تاکنون، علیرغم ارزش و اهمیت فراوان، در معرفت تاریخی و از سوی مورخان به درجات مورد کم‌توجهی قرار گرفته و غریب و مغفول و مسکوت مانده است. توجه مورخان به خواب و رؤیا در قیاس با اصحاب دیگر رشته‌های علوم انسانی، به ویژه در قیاس با انسان‌شناسان و روان‌شناسان، دیرینه‌گام و ضعیف و کم‌رنگ بوده است. توجه مورخان به خواب به مثابه‌ی یک قلمرو پژوهشی تازه، عمدتاً مؤخر بوده است بر پیدایش و رشد روشکردهای اجتماعی و فرهنگی در تاریخنگاری. به عبارت دیگر در تاریخ اجتماعی و به ویژه تاریخ فرهنگی بود که شرایط امکان‌پذیر پیدایش تاریخ اجتماعی و فرهنگی خواب و رؤیا فراهم آمد. یادگیری این نکته لازم است که در اینجا از تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی نه به مثابه‌ی موضوع به عنوان رویکرد سخن می‌گوییم و شاید نیاز به تذکر این نکته نباشد که منظور از تاریخ سیاسی، تاریخ سیاست و منظور از تاریخ اجتماعی، تاریخ اجتماع یا جامعه و منظور از تاریخ فرهنگی، تاریخ فرهنگ نبوده و نیست. در هریک از این سه رویکرد هر چیزی و هر موضوعی را می‌توان با آن برخورد به شکل تاریخی ملاحظه و مطالعه کرد. برای نمونه مورخ سیاسی می‌تواند جامعه یا فرهنگ و یا ادبیات و هنر را بر مدار سیاست و با رویکرد سیاسی مطالعه کند و همچنین است کار مورخ اجتماعی یا فرهنگی. این نکته‌ی ظریف را در پژوهش‌های تاریخی مربوط به خواب و رؤیا نیز بایستی لحاظ کرد و به یاد داشت. اما در اینجا نکته این است که چه در تاریخ سیاست - به مثابه‌ی

موضوع - و چه در تاریخ سیاسی - به مثابه‌ی رویکرد - شرایط امکان توجه و تأکید مورخان به خواب و رؤیا و مسائل و ملاحظات مربوطه کمتر است از آنچه که در تاریخ جامعه و فرهنگ و در رویکردهای اجتماعی و فرهنگی داریم.

عصر جدید شاهد گسترش و انبساط قلمرو موضوعی معرفت تاریخ بوده است. این تحول معرفتی خود ریشه‌های عینی داشته و از لحاظ هستی‌شناسی قابل فهم و تبیین است. به این معنا که در این عین تاریخی در عصر جدید خود دچار انبساط و فرهی شده و به تبع معرفت تاریخی را دچار انبساط موضوعی کرده است. برای نمونه عصر جدید دوران برآمدن و بلوغ و رشد مردم، جامعه، زنان و کودکان بوده است و بر این زمینه تحولات معرفتی رقم خورده و مردم و جامعه و زنان و کودکان و به مثابه‌ی ابژه‌های معرفتی، زایش پیدا کرده و در افق فرهنگی و نظام‌های دانایی پدیدار شده‌اند. روند راه‌پیدایش و رشد رویکردها و شاخه‌های نوین تاریخنگاری از قبیل تاریخ جامعه، تاریخ مردم، تاریخ فروستان، تاریخ اجتماعی، تاریخ زنان، تاریخ کودکان، تاریخ فرهنگی، تاریخ خرد، تاریخ زندگی، و زمره و... را مرحله به مرحله از اوایل سده‌ی ۱۹م. به این سوی تا روزگار ما گشوده و هموار کرده است. برآیند و پیامد روند مزبور، رها شدن مرحله به مرحله‌ی دانش و معرفت تاریخ از انسان سیاست در نظر گرفتن کلیت حیات انسانی یا جهان تاریخی انسان به عنوان موضوع معرفت تاریخی بوده است. در این تعریف جدید از قلمرو موضوعی تاریخ، کار مورخ دیگر نمی‌توانست محدود و منحصر به سیاست و رویدادهای کلان سیاسی بماند و وظیفه‌ی مورخ و غایت و هدف کار او را شناخت زندگی عینی و تاریخی انسان در همه‌ی ابعاد و زوایا و اجزای آن بود. در این تعریف همه‌ی زندگی را نمی‌شد فقط در زندگی سیاسی و یا هستی تاریخی نهاد دولت و حکومت خلاصه کرد. به طریق اولی تعریف زندگی و جهان تاریخی صرفاً بر پایه‌ی زندگی تاریخی بزرگان و نخوت‌گرا و خواص نیز ممکن و شدنی نبود. عوام و مردم و توده‌های گمنام نیز زندگی کرده بودند و شناخت جهان تاریخی انسان بدون در نظر گرفتن تجربه‌ی زیسته‌ی آنان ناممکن به نظر می‌رسید. در پی این چنین شرایطی - از نظر هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی - بود که کسی چون ولتر، مورخان را به تجدیدنظر در موضوع و هدف کار علمی خود فرا می‌خواند و وظیفه‌ی آنان را شناخت زندگی توده مردم اعلام می‌کرد. این چنین پیش از اینکه در انقلاب فرانسه شاهان از صحنه و عرصه‌ی سیاست به در رانده شوند توسط کسانی چون ولتر از صحنه‌ی تاریخ بیرون رانده می‌شدند و به همین سبب بود که ولتر

به درستی بیدر یا پیامبر انقلاب کبیر فرانسه شناخته می‌شد.

در آن روند تجدید نظر طلبی مراحل بعدی یکان یکان از راه رسیدند و زمینه‌های پیدایش شاخه‌ها و رویکردهای جدید تاریخ‌نویسی را فراهم آوردند. یکی از تجدید نظرهای مهم به جنبش فمینیستی و مطالبات تاریخی زنان مربوط می‌شد. تجربه‌ی زیسته‌ی زنان نیز بایستی به حساب می‌آمد چراکه اگر موضوع معرفت تاریخی، زندگی آدمی بود این تنها مردان نبودند که در تاریخ زیسته بودند. زندگی تاریخی آدمی بدون زنان معنایی نداشت و شناخت و بررسی آن بدون توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی زنان راه به جایی نمی‌برد. سپس نوبت به جوانان و نوجوانان و کودکان نیز رسید مگر زندگی تاریخی آدمی فقط مربوط به بالغان و بزرگسالان بود. مگر کودکان و نوجوانان. نیز در تاریخ زندگی تاریخی آنان را نادیده گرفت؛ و سرانجام این نگاه کلان بود که به پریشگرهای تاریخ تبدیل گشت. آیا این صرفاً به رویدادهای بزرگ و کلان منحصر و محدود می‌شد؛ اگر هدف دانش تاریخ، فهم زندگی و جهان تاریخی آدمی است و در این راه باید شاه و گدا، زن و مرد، پیر و جوان، بالغ و کودک، دست و فرودست را در نظر گرفت در آن صورت تاریخ خرد، رویدادهای کوچک زندگی روزمره و افراد و روایت مربوطه است که باید لحاظ شود و یا دست، کم نباید در برابر رویدادهای بزرگ و کلان، محاق رود و مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد. در این فرایند که به اختصار و به گونه‌ای بسیار شتابزده توضیح داده شد شاخه‌ها و رویکردهای دیگری چون تاریخ روانی، تاریخ روان‌شناختی، تاریخ روایات و ذهنیت‌های جمعی و انواع و اقسام تاریخ‌های اجتماعی و فرهنگی نیز پدید آمدند و توجه قرار گرفتند.

با توجه به شرح کوتاه فوق، در ربط با تاریخ خواب یا جنبش خواب‌شناسی یا رؤیاشناسی تاریخی» نکته این است که زندگی و جهان تاریخی آدمی، با بیداری محدود و منحصر نمی‌شود. بخش بزرگ و مهمی از زندگی و تاریخ آدمی در خواب، خواب دیدن و ثبت و ضبط خواب‌های دیده شده - راست یا دروغ، حقیقی یا برساخته و جعلی - گذر می‌کند. سبکی زندگی تاریخی آدمی افزون بر بیداری یک روی دیگر نیز دارد که نمی‌تواند و نباید در عقل و بی‌توجهی قرار گیرد. رویه‌ی رویایی تاریخ بشر را نمی‌توان و نباید تنگ و محدود دید. تاریخ خواب و رؤیا را هم می‌توان از جنبه سیاسی و با رویکرد سیاسی دید و بررسی کرد و هم از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی و با رویکردهای مربوطه. هم خواب‌های مربوط به رویدادهای بزرگ و کلان و خواب‌های خواص و بزرگان و نخبگان را می‌توان و باید گردآوری و طبقه‌بندی کرد و با

ملاحظات و روش‌های علمی مورد تحقیق و بررسی قرار داد و هم خواب‌های، توده‌ی مردم را با رویکرد تاریخ خرد. بنابراین ملاحظات است که ما به جای به کارگیری تعابیر و اصطلاحات تنگ و محدودی چون تاریخ فرهنگی خواب یا تاریخ اجتماعی خواب و... بهتر می‌دانیم که تعییر «خواب / رویاشناسی تاریخی» را که جامع‌تر و رساتر است به کار ببریم. در خواب‌شناسی تاریخی هم خواب و هم تاریخ به معنای تام و فراگیر کلمه با انواع و اقسام روش‌ها و رویکردهای لازم مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرند. همچنین نباید فراموش کرد که خواب، یا توجه به سرشت ویژه‌اش برای مورخ هم واجد سویه‌های مهم علمی است و هم دارای جنبه‌های بسیار مهم فلسفی و فقهی. به دیگ سخن در مورد خواب و رؤیا مورخ نه فقط با یک موضوع پژوهشی که همچنین با یک مسأله فلسفی و نظری روبروست.

تعییر «خواب‌شناسی تاریخی» oneirology تعییری است رایج و جا افتاده؛ اما ترکیب «خواب‌شناسی تاریخی» Historical Oneirology، تا جایی که ما می‌دانیم، نخستین بار در این پژوهش است که مطرح شده و به کار برده می‌شود. این تعییر همانند دیگر نظایرش می‌تواند به دو معنی به کار رود: خواب‌شناسی تاریخی و تاریخ خواب‌شناسی. در اولی خواب و در دومی تاریخ موضوعیت و محوریت دارند. در اولی خواب و خواب‌گزاران و رویه‌های مربوطه با روش‌ها و رویکردها و ملاحظات تاریخی - تاریخ‌گرایانه - مورد بررسی قرار می‌گیرد و در دومی تاریخ بر پایه‌ی شواهد و روایات رویایی و ملاحظات خواب‌شناختی مورد بررسی و تأمل واقع می‌شود. در اینجا همانگونه که گفته شد هم ملاحظات علمی مطرح می‌شود و هم ملاحظات فلسفی. ناگفته پیداست که به کارگیری تعییر خواب‌شناسی تاریخی - در معنای دوم - گاهی یاد شده - بر این فرض استوار است که افزون بر آن که می‌شود یا باید مطالعات خواب‌شناسی بر پایه ملاحظات نظری و روشی تاریخی انجام داد، بررسی‌های تاریخی را نیز می‌توان در سویه‌های مختلف - خاص از تاریخ بر پایه‌ی قواعد و ملاحظات خواب‌شناسانه و داده‌ها و شواهد رویایی - تاریخی - بنا کرد. در هر دو مورد و به ویژه در مورد دوم تکیه گاه این مدعا جایگاه خواب و برجسته و بزرگی است که ادبیات خواب و خواب‌گزاری و خواب‌شناسی در میراث مکتوب بشری دارد و انبوه داده‌های متنوع مربوط به خواب و رؤیا شرایط امکان پیدایش این قلمرو ویژه‌ی پژوهشی یعنی خواب‌شناسی تاریخی و بطور خاص یا اخص تاریخ خواب‌شناختی را پدید آورده است. موانع تحقق این امکان نه در کمبود داده‌ها و مواد و مصالح که در منظومه‌ی فکری و معرفتی است و یا

به سخن دیگر عدم یا دیرکرد ظهور و زایش خواب و رؤیا به مثابه‌ی یک ابژدی معرفتی در نظام معرفتی تاریخ را بایستی در شرایط ایستمیک یا پارادایمیک ریشه‌یابی کرد. بحث تفصیلی در این باره را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم.

در پایان این مقدمه‌ی کوتاه چند نکته را گوشزد می‌کنیم. در خواب‌شناسی تاریخی - به ویژه در معنای دوم یا تاریخ خواب شناختی - آنچه که مهم است کارکردها و نتایج و آثار روایات و باورهای گویایی است و نه لزوماً راست و دروغ بودن آنها. تعیین صحت و سقم روایات و بحث در راستی و درستی عقاید و باورها البته مهم است و به ویژه اگر پای تأملات فلسفی - بطور خاص فلسفه‌ی تاریخی - در میان باشد، الزام‌آور است؛ اما از نظر علمی - منظور تاریخ علمی است - هستی تاریخی و حقیقت اندیشه‌ی روایات و عقاید و باورها اهمیت محوری دارد و بنابراین درباره‌ی روایات و گزارش‌های مربوط به رؤیاها نیز مسأله‌ی اصلی این است که بدانیم در چه شرایط یا در کدام بافت و زمینه‌ی تاریخی این روایات پدید آمده‌اند و چگونه تعبیر و تفسیر گردیده و کدام نتایج و آثار را به بار آورده‌اند. برای نمونه می‌توان به نقش و کارکرد خواب و رؤیا در کشاکش‌ها و رقابت‌های سیاسی و فرقه‌ای و مذهبی اشاره کرد. متون و منابع تاریخی متحون از انواع و اقسام روایاتی‌ست که در این باره به مورخ یاری می‌دهند.

کارکرد روایات خواب و رؤیا در رقابت‌های سیاسی و فرقه‌ای تاریخ اسلام و مسلمانان چنان است که محقق و اسلام‌شناس فقید آلمانی آنه ماری شامل در کتاب ارجمندی که درباره‌ی خواب و خواب‌گرایی در فرهنگ اسلامی نوشته است می‌گوید که می‌توان به اساس آنها تاریخ اسلام را نوشت.^۴

یک نمونه‌ی مهم و گویای دیگر نقشی است که فرهنگ و باورهای مسلمانان به خواب در تاریخ اجتماعی و در فرودست سازی اقشاری چون زنان یا تهیدستان داشته‌اند. چنانچه باره‌ای از پژوهشگران به تأثیر یا کارکرد ویژه‌ی خواب‌نامه‌ها در این زمینه توجه کرده‌اند. همچنین در موارد بسیاری از خواب‌ها و رؤیاهایی که اشخاص خواب بیننده ثبت و ضبط کرده‌اند برای شناخت خلیقات و روحيات آنان و یا به اصطلاح روان‌شناسی آنان بهره برد. برای نمونه می‌توان به خواب‌های کسانی چون شاه طهماسب و ناصرالدین شاه اشاره کرد که برای شناخت روحيات و احوال و افکار آنان از ارزش ویژه‌ای برخوردارند.^۵ نمونه‌هایی از این دست فراوانند و به پاره‌ای از آنها در بخش بعدی این تحقیق که تصحیح و تحشیه‌ی رساله‌ی منامیه است اشاره کرده‌ایم. رساله‌ی

یاد شده نیز که به عنوان مطالعه‌ی موردی در پژوهش حاضر انتخاب شده است در زمره‌ی اسناد مهم و درجه اولی است که به روشنی از پاره‌ای کارکردهای سیاسی و فرهنگی خواب و خوابگزاری در عصر قاجار پرده برمی‌دارد. تصحیح و تحشیه‌ی این رساله هم به عنوان نمونه‌ای در معرفی قلمرو پژوهشی مورد نظر ما یعنی «خواب‌شناسی یا رویاشناسی تاریخی» انتخاب و انجام شده است و هم به مثابه‌ی یک بخش مقدماتی یا جزء کوچک از یک برنامه‌ی پژوهشی مفصل در زمینه‌ی خواب‌شناسی تاریخی دوره‌ی قاجار. یکی از اهداف و سطوح برنامه‌ی پژوهشی مزبور تشخیص و گردآوری و طبقه‌بندی خواب‌های ایران دوره‌ی قاجار است که می‌تواند پایه و مایه‌ای مطمئن برای انجام تحقیق‌ها و تحلیل‌های عمیق‌تر و روشمند بعدی و رفتن به سطوح بالاتر تحقیق در موضوع خواب‌شناسی تاریخی باشد. ما امیدواریم با انجام آن برنامه و انتشار تدریجی بخش‌ها و اجزاء آن سوابق، دست و فایده‌ی خواب‌شناسی تاریخی و تاریخ خواب‌شناختی را چنانکه باید و شاید نمودار و معرفی کنیم.

رساله‌ی منامیه که متن مصحح آن همراه با حواشی و توضیحات و تحقیقات، اینک عرضه می‌گردد در زمره‌ی مهمترین منامیه‌ها و به تاریخ سیاسی و فرهنگی خواب و رویا در ایران عصر قاجار است. اصل این رساله را میرزا تقی‌الکاسرانی شیرازی، قطب سی و پنجم سلسله‌ی ذهیّه، در سال ۱۲۸۵ق. نوشته است. این ظاهراً آخرین اثر از آثار و نوشته‌های متعدد و پرشمار راز - یا دست کم یکی از آخرین آثار وی - بوده است. موضوع و مضمون آن تعبیر و تفسیر خواب شیخ زین‌العابدین مجتهد مازندرانی درباره‌ی شمشیر بستن ^(۱) و ائمه ^(۲) به کمر ناصرالدین شاه قاجار و نشان دادن وی بر اسب توسط حضرت امام زمان ^(۳) است که به پیروزی وی بر دشمنی از اهل سنت تعبیر شده است. خواب را شیخ زین‌العابدین در ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۸۴ق. در کربلا دیده و صورت ثبت شده‌ی آن را برای اطلاع دربار ناصر فرستاده است. ^(۴) میرزا فرخ‌خان امین‌الدوله توسط پیکری به نام میرزا مهدی‌خان لشکر نویس شیرازی آنرا ^(۵) دریافت و به طور مکتوب تعبیر کرده و بفرستد تا به شاه عرضه شود. از آنجا که راز خواب ^(۶) تأیید و امداد الهی و آسمانی شاه در برابر خصمی از اهل سنت تعبیر کرده بوده حدود سیزده یا چهارده سال بعد یعنی در سال‌های ۸-۱۲۹۷ق. که شورش نافرجام شیخ عیدالله گُرد درمی‌گیرد و شکست می‌خورد به حساب پیشگویی و درستی و تأثیر تعبیر راز گذارده می‌شود و به همین سبب پسر و جانشین وی یعنی جلال‌الدین محمد مجدالاشراف، قطب سی و ششم سلسله‌ی ذهیّه، مقدمه و

شرحی بر رسالهی منامیه می‌نویسد و به نوبه‌ی خود دست به تعبیر و تفسیر دوباره‌ی خواب شیخ می‌زند. با توجه به اینکه متن کامل رسالهی منامیه همراه با شرح پیوست آن پیش روی خوانندگان قرار دارد شرح بیش از این پیرامون مضمون و محتوای آن زائد به نظر می‌رسد؛ اما درباره‌ی پاره‌ای از مطالب و مباحث و اشارات مندرج در آن پرسش‌ها و ملاحظات قابل طرح است که به کوتاهی و فشرده‌گی هر چه تمامتر در میان می‌نیم:

کوشش ما برای یافتن اصل ثبت شده‌ی خواب شیخ زین‌العابدین به جایی نرسیده است. اگر واقعاً اصل خوابی دیده شده و توسط خود شیخ و به خط و مهر خود او ثبت شده و برای شاه فرستاده شده باشد می‌توان امیدوار بود که در آینده در زمره‌ی اسناد بیوتات و یا جاهای دیگر به دست آید. تا هنگامی که این متنی به دست نیامده باشد اصالت روایت خواب شیخ با پرسش روبرو خواهد بود. اینکه در هیچ یک از آثار و اخبار مربوط به شیخ هیچ رد و نشانی از این خواب ندیده‌ایم در میان جایز است. در مقدمات رسالهی حاضر نیز، هیچ گزارشی از جزئیات مربوط به چگونگی ثبت رساله‌ی خواب شیخ از کربلا به ایران وجود ندارد. همانگونه که مشاهده می‌شود در رسالهی حاضر فقط به صورت کلی و مبهم بسنده شده است که هیچ نکته‌ای را در این خصوص روشن نمی‌کند. می‌دانیم که تعبیر و تفسیر خود شیخ از این خواب چه بوده است؟ همگان او در عتبات از آن آگاهی داشته‌اند یا نه؟ و اگر چنین بوده آیا در آن باره اظهار نظری کرده‌اند یا نه؟ و چرا این خواب بدون تعبیر و تفسیر از سوی خود شیخ و یا دیگر علمای به دربار فرستاده شده است؟^۱ دلایل و انگیزه‌ها که باعث شده است خواب شیخ را برای تعبیر به نزد ابوالقاسم راز بفرستند نیز محل پرسش است. آیا بستن ذهی در درون دستگاه دولت از رموزی عمد و آگاهی خواب را برای تعبیر به نزد راز، و نه هیچ‌کس دیگر فرستاده‌اند تا او موافق و متناسب با اهداف و اغراض خاص آنان تعبیر کند و از این راه به تصمیم جمعیت مریدان خود در دستگاه دولت کمک کند و همچنین وسیله و زمینه‌ای برای تقرب خود به سادات فاضل سازد؟ می‌دانیم که میرزا یوسف خان مستوفی الممالک - از رجال و وزرای متنفذ این دوران که سرانجام به مقام صدارت ناصرالدین شاه نیز می‌رسد - در زمره‌ی مریدان و سرسپردگان ذهیته بوده و از نفوذ و اقتدار خویش برای گسترش دایره‌ی نفوذ خانقاه ذهی بهره می‌گرفته است.^۲ چنین می‌نماید که میرزا فرخ‌خان امین‌الدوله نیز در زمره‌ی ارادتمندان و هواداران ذهیته بوده است. وی که از روزگار فتحعلی شاه جزو پیشخدمتان خاصه و در دوری محمدشاه و ناصرالدین شاه در

زمره‌ی خواص و محارم و معتمدین شاهان قاجار بود از یکی دو دهه پیش از این در میان مقامات و وظایف خود وظیفه‌ی دادن عرایض علما و شاهزادگان به شاه را نیز عهده‌دار گردیده بود. احتمالاً با توجه به همین سابقه بود که روایت مکتوب و مهور رؤیای شیخ زین‌العابدین مجتهد توسط او به شاه عرضه می‌شد و چه بسا او پس از رایزنی با مستوفی الممالک آنرا پیش از عرضه به شاه برای تعبیر به نزد ابوالقاسم راز فرستاده است. به هر حال اگر هم قصد و غرض خاصی از سوی او در خواب راز به عنوان معبر خواب شیخ در کار نبوده باشد آنچه که در عمل اتفاق افتاده به خود راز و ذمیّه بوده است. به دیگر سخن تعبیر خواب شیخ افزون بر تأیید مشروعیت سلطنت ناصری به وسایلی برای تبلیغ تصوف ذهی و به ویژه مشروعیت الهی مقام و منصب کسی چون مستوفی الممالک مرید ذمیّه بوده است تبدیل گردیده و آشکارا او را مورد تأیید و برگزیده‌ی امام زمان گزین کرده است. یک مطلب دیگر درباره‌ی چگونگی گزینش راز به عنوان معبر و فرستادن صورت ذهی به نزد او به این باز می‌گردد که گفته شده است آنرا توسط پیک برای او فرستاده‌اند. از این روایت برمی‌آید که راز در این زمان در جای دیگری جز تهران بوده است. می‌دانیم که او از اواخر سال ۱۲۸۲ق. تا اواخر سال ۱۲۸۴ق. در خراسان و مشهد اقامت داشته است.^{۱۰} آیا متن خواب شیخ بر او مشهود فرستاده شده است؟ در همین رساله‌ی منامیه، راز ادعا می‌کند که شش ماه پیش از سلطنت ناصرالدین شاه بشارت آنرا در واقعه یا رؤیا به او داده‌اند. همچنین ادعا می‌کند که واقعات و رؤیاهای بسیار بیشتر و بشارت آمیزتر از واقعه‌ی شیخ زین‌العابدین مجتهد درباره‌ی طول عمر شاه و در سلطنت او و پیروزی‌هایش بر دشمنان داشته و دارد که بایستی به طور حضوری به شاه عرض کند. می‌گوید که ائمه^(ع) در طول بیست سالی که از سلطنت ناصرالدین شاه می‌گذرد بارها به او تأکید کرده‌اند که بیست و پیام خود را به شاه ابلاغ کند و در سفر خراسان به هنگام زیارت مشهد، امام رضا^(ع) نیز به او تأکید کرده است که باید در بازگشت به تهران نویدها و بشارت‌ها را خدمت شاه عرضه دارد. طایف صریح مندرج در رساله منامیه، راز پیش از رفتن به سفر خراسان در تهران با شاه دیدار و گفتگو کرده و شاه به او وعده داده که در خلوت، سخنان او را پیرامون پیام و رسالت‌اش خواهد شنید اما نه در آن زمان و نه پس از اینکه راز از سفر زیارتی مشهد به تهران بازگشته و در آنجا مدتی را توقف اختیار کرده چنین فرصتی پیش نیامده است. می‌توان چنین پنداشت که ناصرالدین شاه چندان وقعی به مدعیات راز ننهاده و ارج و اعتباری برای آن قائل نشده است.^{۱۱}

صورت ظاهر خواب شیخ زین العابدین با خواب‌های دیگری که در متون تاریخی درباره‌ی پاره‌ای دیگر از پادشاهان و سلسله‌های پادشاهی روایت شده است، همانندی قابل توجهی دارد. در اینگونه خواب‌ها اغلب پای شمشیر گرفتن از معصومین^(۲) به ویژه حضرت علی^(۳) و در مواردی پیامبر اسلام^(ص) و خضر نمی^(۴) در میان می‌آید. چنانکه برای نمونه در داستان سبک‌گین، پدر سلطان محمود غزنوی، که در «تاریخ بیهقی» روایت شده است و یا در داستان نادرشاه افشار، که در «مجموعه تاریخ»^(۵) پس از نادر اثر گلستانه نقل شده است، و یا در پاره‌ای از روایات مربوط به سلطنت ناصرالدین شاه می‌بینیم^(۶) شمشیر، نماد قدرت و سلطنت بود و داده شدن آن در رؤیا از سوی بزرگان دین به گناه‌ای آشکار نشان دهنده‌ی مشروعیت دینی و اعطای حق الهی سلطنت به شمار می‌آمد. بابری^(۷) خواب شیخ زین العابدین مجتهد بیش و پیش از اینکه به پیروزی بر خصم سنی یا شیخ عیدالله^(۸) تعبیر می‌شد به تأیید مشروعیت دینی و الهی سلطنت او از سوی حضرات معصومین^(۹) تفسیر می‌شد و به این که این خواب را فقیه بزرگ و نامداری چون شیخ زین العابدین دیده بود، به این نکته با توجه داشت که مشروعیت سلطنت سلاطین در سراسر تاریخ تشیع از سوی علما و فقها محل بحث و مناقشه بوده است. این مناقشات پس از استقرار سلطنت شیعی صفوی حدت و شدت بی‌سابقه‌ای یافت و قیامت و اقتدار و مشروعیت سلطنت را در مواردی با چالشی که از سوی پاره‌ای از نمایندگان^(۱۰) روحانیت می‌آمد، روبرو می‌ساخت.^(۱۱) چالش میان نهاد روحانیت شیعی با نهاد سلطنت در عصر قاجار ژرف‌تر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر شد. شرح جزئیات مربوطه البته بیرون از گفتار کنونی ماست. نکته‌ای که به این نکته باید اشاره کرد که سلطنت قاجار، که مثل سلف صفوی خود مدعی نمایندگی نبوت بود، از یکی دو دهه‌ی آخر سلطنت ناصری به تدریج با بحران مشروعیت روبرو شد. بحران که نه‌تنها شکست‌های تلخ در برابر روسیه و انگلیس و تن دادن به تجزیه‌ی خاک ایران و اعطای امتیازات سنگین با نتایج و عواقب بسیار زیانبار به بیگانگان و همچنین مربوط به روند ورود و گسترش مدرنیته‌ها و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی جدید بود.^(۱۲) اینک این پرسش مطرح می‌شود که دولت ناصری از خواب شیخ چگونه بهره‌برداری کرد و آیا جهت تحکیم پایه‌های مشروعیت خود به تبلیغ درباره‌ی آن پرداخت؟ تا جایی که ما جستجو کرده‌ایم هیچ نشان و اثری در این باره نیافته‌ایم. در روزنامه‌های دولتی چه در زمان وقوع خواب و چه در هنگام شورش شیخ عیدالله و چه در زمان مرگ شیخ زین العابدین مجتهد هیچ ذکری از این خواب به میان نمی‌آید. این در حالی‌ست که گاه

خواب‌های بسیار کم اهمیت‌تر و حتی خواب‌های توده‌ی مردم در روزنامه‌ها انعکاس یافته‌اند.^{۱۵} همچنین در هیچ یک از متون تاریخی آن عصر و از جمله در نوشته‌های خود ناصرالدین شاه و نیز در آثار اعتمادالسلطنه و به ویژه روزنامه خاطرات او هیچ اشاره‌ای به خواب شیخ و خاطره‌ی آن نیست و این در حالی‌ست که گزارش خواب‌های دیگر به تکرار می‌آید و در ذکر و نقل پاره‌ای از رویدادها به تناسب موضوع و مضمون انتظار می‌رفت که دست کم یادی از خواب شیخ بشود. ۱۲ سال پیش از خواب شیخ در ربیع‌الاول سال ۱۲۷۲ق. در شب قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس بر سر قریه‌ی هرات، ناصرالدین شاه خواب دید که درختی به نام درخت ویکتوریا در باغی است و او دستور می‌دهد که آنرا برکنند و در باغچه‌های دیگر بکارند و نامش را درخت محمد بگذارند. در سالگرد این خواب شاه بارعام داد. گزارش این خواب را خود او در دستخطی به تاریخ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۷۲ق. یعنی بیست روز پس از دیده شدن آن، به میرزا آقاخان نوری داد. امانت که این خواب را در شب ۱۲ به نقل کرده می‌گوید این خوابی خودانگیخته با سمبولیسمی بی‌پرده بوده که همزمانی آن با قطع رابطه با انگلیس قابل توجه است و احتمالاً نشانی از تمایل آگاهانه‌ی شاه در بهره‌گیری از اسامی مشابهی یک ابزار مقاومت در برابر تجاوز بیگانه بوده است. وی به این نکته اشاره می‌کند که از چندی پیش از آن ناصرالدین شاه هم‌تراز با سلطان عثمانی خود را مدعی خلافت شمرده و بر وصیف خود به عنوان «سلطان شیعیان» تأکید کرده بود.^{۱۶} البته به گمان ما از احتمال بر ساخته بودن خواب نیز نمی‌توان غافل بود چرا که موارد دیگری از جعل خواب توسط ناصرالدین شاه در دست داریم که نشان می‌دهد وی گاه به گاه آگاهانه از خواب به مثابه‌ی ابزاری جهت پیش‌برد امور و اهداف خود بهره می‌گرفت.^{۱۷} اما به توجه به خواب برکندن درخت ویکتوریا و بهره‌برداری‌های مذهبی و سیاسی از آن و به رسم دادن شاه در سالگرد آن آیا نمی‌شود انتظار داشت که شاه با خواب مرجع و فقیه مهم و متنفذی چون شیخ زین‌العابدین نیز چنین کند؟ اگرچه انفعال شاه و دولت او در برابر این خواب و عدم بهره‌گیری تبلیغی از آن پرسش‌انگیز و تردید آفرین است اما آنچه که حتی بیش از آن غریب و صعب است می‌نماید این است که در جاهایی از نوشته‌ها و یادداشت‌ها و خاطرات ناصرالدین شاه و اطرافیان او که انتظار می‌رود دست کم به تناسب موقعیت، یادی از خواب شیخ شود با سکوت محض و مطلق در این باره روبه‌رو می‌شویم. حدود سه سالی پس از خواب شیخ، ناصرالدین شاه به سفر عتبات عالیات رفت و شیخ نیز در زمره‌ی علمایی بود که در منزلگاه مسیب در نزدیکی کربلا به پیشواز او آمدند و

سپس در کربلا نیز به دیدار او رفتند. شاه به هر دو رویداد در سفرنامه‌اش به عتبات اشاره می‌کند و نام شیخ را بدون هیچ گونه اشاره‌ای به خاطره‌ی خواب منهم او به میان می‌آورد:

«... در محسب اطراق شد. حاجی میرزا علی نقی عرب، شیخ زین العابدین مازندرانی، آقا سید حسین کلیدار حضرت عباس^ع، آقا سید احمد شیخی پسر آقا سید کاظم رشتی - شیخی معروف - و بعضی علمای دیگر زیاد بودند. از کربلا آمده بودند. آقا سید صادق آمده، معرفی کرد.»^{۱۸}

در دیدار کربلا نیز می‌نویسد:

«... در کربلا خواب برخاستیم. پنج به غروب مانده ناهار خوردیم. آقا سید صادق، مشیرالاحمد علی^ع کربلا را به حضور آوردند. حاجی میرزا علی نقی، آقا میرزا زین العابدین، گویا برادر آقا میرزا سید کربلایی است که تهران است. حاجی میرزا ابوالقاسم، آقا میرزا تقی شهرستانی، حاجی میرزا حسین، آقا سید مصطفی استرآبادی، شیخ زین العابدین [مجتهد مازندرانی]، ملا حسین ارباب که از حلقه علما و مجلس درس دارد در کربلا، آقا شیخ محمد رضا، آقا شیخ صالح»^{۱۹}

اما چنانکه می‌بینیم هیچ ذکری از خواب شیخ در متن نیست و هنگام نام بردن از او، خواب او که فقط حدود سه سال پیش ثبت و گزارش شده با تدارکات ویژه‌ی امین‌الدوله برای راز فرستاده شده و با آن آب و تاب و طول و تفصیل از سوی امین‌الدوله نگاشته شده است، برای شاه تداعی نمی‌شود و یادی از خاطره‌ی آن نمی‌کند! این غفلت و بی‌اعتنایی امین‌الدوله به ناصرالدین شاه نیز نمی‌خواند چرا که در موارد دیگر وی خواب‌هایی به مراتب کم‌اهمیت‌تر و کمتر یادداشت‌هایش گزارش می‌کند.^{۲۰} در روزنامه‌ی «دولتی» نیز که گزارش پیشواز علما و بزرگان با شاه در کربلا درج شده است هیچ یاد و نشانی از خواب شیخ در میان نیست اما در مورد علمای پیشواز کننده و دیدار کننده یاد می‌شود:

«در روز چهارشنبه پنجم که موکب همایونی در مسیب اقامت داشتند از کربلای معلی، علمای اعلام و مجتهدین ذوی‌الغز و الاحترام مفصلة الاسامی و چند نفر دیگر از علما، اعلام کثرا... امتثالهم به استقبال موکب همایونی آمده به اتفاق و همراهی جناب آقا سید صادق مجتهد به حضور مرحمت ظهور خسروانی مشرف شدند و نسبت به هریک از علما التفاتی خاص و تفقدی بالاخصاص مرعی و مبذول گشته، تمامی به الطاف مهر انصاف شاهنشاهی

مشعوف و امیدوار گردیدند. حاجی میرزا علینقی، شیخ زین‌العابدین، ملاحسین اردکانی، سید احمد پسر سید کاظم رشتی، شیخ عبدالحسین یزدی پیشنامه شیخ محمدرضای نجفی، میرزا محمد حسین داماد، میرزا زین‌العابدین، میرزا آقا، سید محمد قزوینی، شیخ باقر لنگرودی پیشنامه، سید هاشم قزوینی پیشنامه، حاجی سید ابراهیم پیشنامه، شیخ علی و سایر اولاد شیخ عبدالحسین مرحوم، ملا باقر ترک، حاجی سید محمدتقی هندی، حاجی ملارمضان متعبد، شیخ جعفر اصفهانی، شیخ حسین شیخ خلف»^{۲۱}

روزنامه‌ی «دولتی» گزارش می‌دهد که در روز دوم ورود موکب شاه به کربلا همان علمایی که در منزل سبب پیشواز شاه رفته بودند در کربلا به حضور شاه رسیده و مورد تفقد وی قرار گرفتند.^{۲۲} سه روز در کربلا ماند و هر روز به زیارت می‌رفت. سپس به نجف رفت و روز بیستم به کربلا برگشت. این بار نیز چهار روز دیگر در کربلا ماند. گزارش مراحل سفر شاه در روزنامه دولتی ملاحظه است و شیخ زین‌العابدین نیز در میان می‌آید بدون اینکه هیچ ذکری از خواب مهم او شود.^{۲۳} این در حالی است که سفر شاه به عتبات و دیدار او با علمای آنجا از لحاظ سیاست دینی و مذهبی او بسیار مهم بود و علی‌القاعده وی و روزنامه‌ی دولتی‌اش نمی‌بایست به امکان بهره‌برداری تبلیغی از خواب شیخ حسن توجه می‌بودند. نباید از یاد برد که در همین روزنامه، خواب‌های بسیار کم اهمیتی گزارش می‌شد و به چاپ می‌رسید. همچنین باید به این نکته توجه داشت که اگر روزنامه‌ی «دولتی» گزارش سفر شاه به عتبات و پیشواز و دیدار علما با شاه را با آن طول و تفصیل چاپ می‌کرد برای القای مشروعیت دینی سلطنت شاه به ذهن مردم و تذکر مناسبات گرم وی با علما و مجتهدان بود و بنابراین انتظار می‌رفت که از خواب شیخ زین‌العابدین که به روشنی نمایانگر تأیید مشروعیت دینی سلطنت ناصرالدین شاه از سوی حضرات معصومین^(ع) می‌بود یادی به میان آید. چند سال بعد که شیخ درگذشت، خبر آن در شماره‌ی ۷۷۶ روزنامه‌ی «ایران» به تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۳۰۹ ق. چنین بازتاب یافت:

«جناب شریعتمدار آقا شیخ زین‌العابدین مازندرانی هزار جریبی که راجله علماء این عصر متجاوز از پنجاه سال بود مجاور عتبات عالیات همواره چه تدریس و افاده علوم دینی و ترویج شریعت غرای مصطفویه مشغول و به زهد و ورع و تقوی مشهور و رسالات عملیه آن شیخ جلیل‌القدر متجاوز از یک قرن بود معمول به جمع کثیری از اهالی ایران و مسلمانان شیعی مذهب هندوستان بود این اوقات در کربلای معلی به مرض ضیق‌النفس و مقدمه استسقا